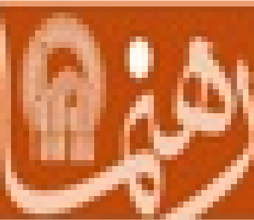
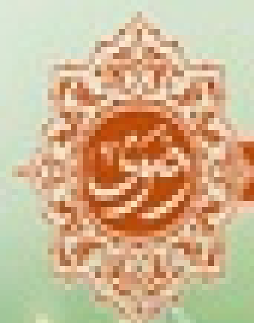


آستان قدس رضوی

۳۴



هفت گام برای زندگی جمعی

محمدباقر پورامینی



بسم الله الرحمن الرحیم

رهنما ۳۴: (هفت گام برای زندگی جمعی)

نویسنده:

محمد باقر پورامینی

ناشر چاپی:

انتشارات آستان قدس رضوی - به نشر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

رهنما ۳۴: (هفت گام برای زندگی جمعی)

مشخصات کتاب

سرشناسه : پورامینی، محمدباقر، ۱۳۴۷ -

عنوان و نام پدیدآور : هفت گام برای زندگی جمعی ، با الهامی از فرهنگ رضوی/ نویسنده محمدباقر پورامینی؛ [برای] معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی [آستان قدس رضوی].

مشخصات نشر : مشهد: انتشارات قدس رضوی، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۵۲ص.؛ ۱۷×۱۱س م.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۵۴۳-۷۹-۶

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه.

موضوع : علی بن موسی (ع)، امام هشتم، ۱۵۳؟ - ۲۰۳ق. -- نظریه درباره آداب معاشرت اسلامی

موضوع : آداب معاشرت اسلامی

موضوع : اخلاق اسلامی

شناسه افزوده : آستان قدس رضوی. معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

شناسه افزوده : آستان قدس رضوی

رده بندی کنگره : BP۴۷/۳۵/پ۹□۷ ۱۳۹۱

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۵۷

شماره کتابشناسی ملی : ۲۸۶۸۳۱۸

ص:۱

اشاره

تصویر



ص:۴۰

هفت گام برای زندگی جمعی

با الهام از فرهنگ رضوی

پرسش های زیر را، در این نوشتار، پاسخ می گیرید:

- از امام رضا سخنی شنیده ام که طیِ آن، ایشان به مهرورزی با مردم اصرار دارند؛ لطفاً آن را بیشتر تبیین کنید و از نوعِ رفتار ایشان بنویسید؟
- دوستان ما چه حقی بر گردنِ ما دارند؟ برادری به چه معنی است؟
- آیا در زندگی با مردم، می توان شاخصی برای بهترین زندگی یا بدترین زندگی مشخص کرد که

ما، خود را با آن بسنجیم و برای بهتر شدن، در راستای آن تلاش کنیم؟

• چرا اسلام به انفاق و کمک به دیگران توصیه می کند؟ سیرهٔ امام رضا دراین زمینه چگونه بوده است؟

• پدر و مادر بخش مهمی از زندگی ما را شکل می دهند؛ دربارهٔ حقوق و وظیفه ای که درقبال آن ها، برعهدهٔ ماست، توضیح دهید؟

• درخصوص نحوهٔ معاشرت و رفتار با اهل خانواده بگویید. منِش امام رضا با خانوادهٔ خود چگونه بود است؟

• از رعایت حقوق مردم و احترام به آنان، زیاد خوانده ام. در این زمینه، شیوهٔ امام رضا چگونه بوده است؟

• متأسفانه می بینیم که کسی به امر به معروف و نهی از منکر توجهی نمی کند و بسیاری مردم از این فریضهٔ مقدس غافل اند. از دیدگاه امام هشتم، دربارهٔ آن، توضیح دهید؟

ص:۶

درآمد

هر کس شیوه ای برای زندگیِ خود انتخاب می کند؛ او با آن سبکِ زیستن دمساز است و روزگار می گذراند در لاک خود است و جز حریم زندگی خود، دغدغه ای ندارد. اما وقتی زندگی را با شاخصی الهی بسنجیم، سبک زندگی تغییر می کند و گسترهٔ وسیعی می یابد: دیگران بخشی از زندگیِ انسان می شوند و توجه به مردم و رعایت حق آنان، بخش جدایی ناپذیرِ افکار و اَعمال آدمی می شود. در ادامه و در پرتوِ سخن و سیرهٔ امام رضا، هفت گام زندگی با دیگران را به نظاره می نشینیم و توفیق عمل را از خداوند مهربان، مدد می جوییم.

تصویر



ص:۸

گام اول: مهرورزی

تصویر

گام اول: مهرورزی

ص:۹

انسان، به صورت فطری، شیفتهٔ الفت و رفاقت است و خواهش دل، او را به مهرورزیدن و محبت کردن به دیگر هم کیشانِ خود می کشاند. البته در این میان، محبت جوان صمیمانه تر و اسرار آمیزتر از دیگران است؛ او قدرت دارد که این محبت را با دقت، مخفی کرده یا به شدت و حرارت، اظهار کند.

هین غذای دل بده از همدلی رُو بجو اقبال را از مُقبلی(۱)

از حضرت علی بن موسی الرضا این دو سخن را روایت کرده اند که هر دو، بر مهرورزی و الفت تأکید دارد: اول، «التَّوَدُّدُ إِلَی النَّاسِ نِصْفُ الْعَقْل» (= مهرورزی و محبت با مردم، نیمی از عقل است)(۲) و دوم، «رأس العقل، بعد الإیمان باللّه، التّودّد إلی النّاس.» (= اساس خردورزی، پس از ایمان به خدا،

۱- . مثنوی معنوی، ج۱، بیت ۷۲۶.

۲- . تحف العقول، ص۴۴۳.

جلب دوستی مردم است.)(۱)

منِش امام آیینهٔ تمام نمای آیین الفت و دوستی است: «نوع برخورد و معاشرت پسندیدهٔ امام به گونه ای بود که بدون استثنا، در دل های مردم نفوذ فراوان داشت.»(۲) همواره متبسّم و خوش رو بودند و در معاشرتِ نیکو، سرآمد و مثال زدنی. ابراهیم بن عباس می گفت: «امام رضا با سخن، هرگز به هیچ کس جفا نکردند و کلام کسی را نبریدند تا مگر شخص از گفتن، باز ایستد. حاجتی را که می توانستند برآورده سازند، رد نمی کردند. پاهایشان را دراز نمی کردند و هرگز روبه روی کسی که نشسته بود، تکیه نمی دادند و هیچ کس از غلامان و خادمان خود را دشنام نمی دادند. هرگز آب دهان بر زمین نمی افکندند و در خنده شان قهقهه نمی زدند، بلکه تبسّم می کردند.»(۳)

۱- . عیون اخبار الرضا، ج۲، ص۳۵.

۲- . ذهبی، سیراعلام النبلاء، ج۱، ص۱۲۱.

۳- . اربلی، کشف الغمه، ج۲، ص۳۱۶.

امـام بـا زیردسـتان و خادمـان خود بـا مهربـانی و ملاـیمت برخورد می کردنـد: وقتی تنهـا می شدنـد، همـۀ آنـان را جمع می کردنـد، بزرگ و کوچـک، و بـا آنـان سـخن می گفتنـد؛ با آنان اُنس می گرفتنـد و آنان با او. در تنهایی، هنگامی که برای امام غـذا می آوردنـد، آن حضـرت خادمان و حتی دربان و نگهبان را بر سرِ سـفره می نشاندنـد و با آن ها غـذا می خوردنـد. مردی از اهالی بلخ می گفت که در سـفر خراسان با امـام رضا همراه بودم. روزی سـفره گسترده بودنـد و امام همـۀ خـدمتگزاران و غلامان، حتی سیاهان را، بر آن سـفره نشاندنـد تا همراهِ او غـذا بخورنـد. من به امام عرض کردم: «فـدایتان شوم... بهتر است اینان بر سـفره یی جـداگانه بنشـینند.» فرمودند: «ساکت باش! پروردگارِ همه یکی است، پدر و مادر همه یکی است و پاداش هم به اعمال است.»(1)

حضرت به آمدوشدِ مؤمنان با یکدیگر، تأکید داشتند و می فرمودند: «سَخی از غذای مردم

ص:۱۲

۱- . کافی، ج۸، ص ۲۳۰.

می خورَد تا مردم هم در سرِ سفرهٔ او حاضر شوند و از غذاهای او بخورند؛ ولی بخیل برای اینکه مردم از طعام او نخورند، از خوردن طعام دیگران خودداری می کند.»(۱) همچنین، ایشان مهمان را دوست می داشتند و بر اِکرام او پای می فشردند: شبی، امام میهمان داشتند. در میان صحبت، چراغ نقصی پیدا کرد. میهمانِ امام دست پیش آورد تا چراغ را درست کند؛ امام نگذاشتند و خود این کار را انجام دادند و فرمودند: «ما گروهی هستیم که میهمانان خود را به کار نمی گیریم.»(۲)

فروتنی امام مثال زدنی بود: «یک بار، شخصی که امام را نمی شناخت، در حمام، از امام خواست تا او را کیسه بکشد. امام پذیرفتند و مشغول شدند. دیگران امام را بدان شخص معرفی کردند و او با شرمندگی به عذرخواهی پرداخت؛ ولی امام، بی توجه به عذر خواهی او، همچنان

۱- . همان، ج۴، ص۴۱.

۲- . همان، ج۶، ص۲۸۳.

او را کیسه می کشیدند و او را دلداری می دادند که طوری نشده است.»(1)

ص:14

1- . ابن شهر آشوب، المناقب، ج4، ص362.

گام دوم: برادری

تصویر

گام دوم: برادری

ص:۱۵

مؤمنـان برادر یکدیگرنـد؛ آن گونه که در کتاب الهی به عنوان یک قانون از آن یاد می شود:]إِنَّمَا الْمُومِنُونَ إِخْوَةٌ.[(۱) این آیه نسبتی را میان مسـلمانان برقرار می سازد که قبلاً برقرار نبود و آن نسـبت، برادری است. اُخوّت در اسـلام، نسبتی است که بین دو نفر برقرار می شود و آثاری شرعی و حقوقی نیز دارد.(۲)

امام رضا دربارهٔ حقوق برادران دینی تأکید داشـتند؛ ازجمله، به عبدالعظیم حسنی چنین بیان فرمودند که به دوستان سلام برسان و به آنان بگو: «در گفتـار خویش راست گو باشـند و امـانت را ادا کننـد؛ خاموشـی را پیشـهٔ خود سازنـد و از جـدال و نزاع بیهوده ای دوری کننـد که سودی برایشان ندارد؛ به همدیگر روی آورند و به دیدار و ملاقاتِ هم بروند، زیرا این کار موجب نزدیکی به من است؛ خود را به دشـمنی و بدگویی با یکدیگر مشغول نسازند، زیرا با خود عهد

۱- . حجرات/۱۰.

۲- . المیزان، ج۱۸، ص۳۱۶.

کرده ام که اگر کسی چنین کاری انجام دهد و دوستی از دوستانم را ناراحت کند و به خشم آورَد، خداوند را بخوانم تا او را در دنیا، با شدیدترین عذاب ها مجازات کند و در آن سرا نیز از زیان کاران خواهد بود.»

... به ایشان بگو: «همانا پروردگار نیکوکارانشان را آمرزیده و از خطای گنهکارانشان درگذشته است، مگر کسی را که به خدا شرک بورزد یا دوستی از دوستانم را بیازارد یا کینهٔ آن ها را به دل بگیرد؛ به درستی که خداوند او را نخواهد بخشید تا آنکه از کردار ناشایست خویش دست بکشد. هرگاه از این اعمال نادرست دوری گزینند، آمرزش خدا را شامل خود کرده است؛ وگرنه، روح ایمان از قلبش بیرون رفته و از ولایت ما خارج شده است و بهره ای از ولایت ما نخواهد برد و اعوذ باللّٰه من ذلک.»(۱)

۱- . شیخ مفید، الاختصاص، ص۲۴۷. و مستدرک الوسایل، ج۹، ص۱۰۲.

نفع رسـانی به دیگری می توانـد شاخصـی برای برادری باشـد و حرکت در این مسـیر، زنـدگی انسان را از برترین ها قرار خواهـد داد. علی بن شعیب می گوید که خدمت امام رضا رسیدم؛ به من فرمودند: «ای علی، زندگانی چه کسی بهتر است؟» عرض کردم: «سرور من؛ تو بدان آگاه تری تا من.» حضـرت فرمودند: «مَنْ حَسَّنَ مَعَاشَ غَیرِهِ فِی مَعَاشِهِ.» (= کسـی که دیگری از پرتوِ زندگانی او، زندگی خوبی داشـته باشد.) سپس پرسـیدند: «حال، زنـدگانی چه کسـی بـدتر است؟» عرض کردم: «تو بدان آگاه تری.» فرمودند: «مَنْ لَمْ یعِشْ غَیرَهُ فِی مَعَاشِهِ.» (= کسـی که در پرتوِ زندگانی او، دیگری زندگانی نکند.)(1)

سخن زیر می توانـد تبیین کنندهٔ دسـته اول باشد: آنان که دیگران از پرتو زندگانی او، زندگی خوبی داشـته باشـند. از امام رضا دربارهٔ بهترین بندگان خداU پرسیدند که آنان کیستند.

۱- . تحف العقول، ص۴۴۸.

امام فرمودند: «کسانی که:

إِذَا أَحْسَنُوا اسْتَبْشَرُوا؛ (= چون نیکی کنند، شاد شوند؛)

وَ إِذَا أَسَاءُوا اسْتَغْفَرُوا؛ (= و چون بد کنند، آمرزش خواهند؛)

وَ إِذَا أُعْطُوا شَکرُوا؛ (= اگر چیزی به آنان دهند، سپاس دارند؛)

وَ إِذَا ابْتُلُوا صَبَرُوا؛ (= چون گرفتار شوند، بشَکیبَند؛)

وَ إِذَا غَضِبُوا عَفَوْا. (= چون خشمگین شوند، گذشت کنند [و مانع خشم خود شوند].)(۱)

است. این ماجرا را سلیمان جعفری گزارش می کند:

۱- . تحف العقول، ص۴۴۵.

تصویر



گام سوم: رعایت حق دیگری

تصویر

گام سوم: رعایت حق دیگری

حفظ شأن و کرامت انسان و رعایت حقوقِ آدمی را اصلی کلّی در دین تلقی می کننـد:]وَ لا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنّاسِ وَ لا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحاً إِنَّ اللّهَ لا يحِبُّ كلَّ مُخْتالٍ فَخُورٍ. وَ اقْصِدْ فی مَشْيكَ وَ اغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكرَ الْأَصْواتِ لَصَوْتُ الْحَميرِ.[(= با بی اعتنایی، از مردم روی مگردان و مغرورانه بر زمین راه مرو که خداونـد هیـچ متکبّرِ مغروری را دوست نـدارد. در راه رفتن، اعتدال را رعایت کن؛ از صدای خود بکاه [و هرگز فریاد مزن] که زشت ترین صداها، صدای خران است.)(1)

رعایت حقوق مردم اصلی قطعی و خدشه ناپذیر در زندگی اجتماعی امام بود. در این سیرهٔ الهی، حتی رعایت حق رنج کشیدگان، ارزش و کرامت داشت. برای نمونه، توجه به دادنِ دسترنج زحمت کش و تعیین مُزد، پیش از انجام دادن کار، یکی از نمونه های دغدغه منـدیِ ام-ام است. این ماجرا را سلیمان جعفری گزارش می کند:

ص:۲۲

۱- . لقمان/۱۸و۱۹.

برای برخی کارها، خدمت امام بودم و وقتی کارم انجام شد، خواستم مرخص شوم. امام فرمودند که امشب نزد ما بمان. همراه امام به خانهٔ او رفتم. هنگام غروب بود و غلامان حضرت مشغول بنّایی بودند. امام در میان آن ها غریبه ای دیدند و پرسیدند: «این کیست؟» عرض کردند: «به ما کمک می کند و به او چیزی خواهیم داد.» فرمودند: «مزدش را تعیین کرده اید؟» گفتند: «نه؛ هرچه بدهیم، می پذیرد.» امام برآشفتند و خشمگین شدند. من به حضرت عرض کردم: «فدایتان شوم. خود را ناراحت نکنید...» فرمودند: «من بارها به این ها گفته ام که هیچ کس را برای کاری نیاورید؛ مگر آنکه قبلاً مُزدش را تعیین کنید و قرارداد ببندید. کسی که بدون قرارداد و تعیین مزد، کاری انجام دهد، اگر سه برابر مُزدش را بدهی، باز گمان می کند مزدش را کم داده ای. ولی اگر قرارداد ببندی و به مقدارِ معین شده

بپردازی، از تو خشنود خواهد بود که طبق قرار عمل کرده ای و دراین صورت، اگر بیش ازمقدارِ تعیین شده، چیزی به او بدهی، هرچند کم

و ناچیز باشد، می فهمد که بیشتر پرداخته ای و سپاسگزار خواهد بود.»(۱)

ص:۲۴

۱- . کافی، ج۵، ص۲۸۸.

گام چهارم: دست گیری

تصویر

گام چهارم: دست‌گیری

ص:۲۵

تصویر



ص:۲۶

انفاق و دست گیری نیز ضلعی از رابطهٔ انسان مؤمن با جامعه است و مؤمن، بنابه آن، دربرابر روزیِ خدادادی انفاق می کند. قرآن وقتی متّقین را توصیف می کند، پس از بیان «ایمان به غیب» و «اقامهٔ نماز»، از رابطهٔ نزدیک و بخشش مستمرِ آنان به خلق خداU یاد می کند:]وَ مِمّا رَزَقْناهُمْ يُنْفِقُونَ.[(= و از تمام مواهبی که به آن ها روزی داده ایم، انفاق می کنند.)(۱)

بی شک، روزی معنای عامی است که به روزی های معنوی و مادی اطلاق می شود(۲) و ازاین رو، پرهیزکاران آن هایند که نه تنها از اموال خود، بلکه از عقل، دانش، نیروهای جسمانی، مقام و موقعیت اجتماعی خود و خلاصه، از تمام سرمایه های خویش به آن هایی

می بخشند که نیازمندند؛ بی آنکه انتظارِ پاداشی داشته باشند.(۳) فلسفهٔ انفاق تنها پُرشدنِ خلاءهای اجتماعی

۱- . بقره/۳.

۲- . «انفاق، اعم از انفاق مالی می باشد». المیزان، ج۱، ص۴۷.

۳- . «جالب اینکه قرآن نمی گوید: من اموالهم ینفقون. (= از اموالشان انفاق می کنند)، بلکه می گوید:]مِمّا رَزَقْناهُمْ.[(= از آنچه به آن ها روزی دادیم.) و به این ترتیب، مسئلهٔ «انفاق» را آن چنان تعمیم می دهد که تمام مواهب مادی و معنوی را در بر می گیرد.»، تفسیر نمونه، ج۱، ص۷۴.

نیست، بلکه رابطه ای بـا ساخته شـدن دارد: اینکه انسان چیزی داشـته باشـد و از خود جـدا کنـد و مظهر رحمانیت خـداU شـود، این امر، نقش بزرگی در ساختن انسان دارد.(۱)

قرآن در آیه ای دیگر به «بِر»(۲) توصـیه می کند و انفاق مال مورد علاقه را از ارکان آن می شـمارد و دربارهٔ حقیقت بِر می فرمایند:]لَنْ تَنالُوا الْبِرَّ حَتّی تُنْفِقُوا مِمّا تُحِبُّون.[(= شـما هرگز بـه حقیقـت بِر و نیکی نمی رسـید، مگر اینکـه از آنچـه دوسـت می داریـد، [در راه خـدا] انفـاق کنید.)(۳) خداU می دانـد که تعلق قلبی انسـان به آنچه به دست آورده و جمع کرده است، جزء غریزهٔ اوست: او دوست دارد مال را جمع کند و بشمارد؛ به طوری که اگر قسمتی از آن را از دست بدهد، مثل این است که

۱- . مطهری، آشنایی با قرآن، ج۱و۲. ص۱۳۴و۱۳۵.

۲- . «بِر» به معنای توسّع در خیر است و اعم از خیر اعتقادی و عملی می باشد. ر.ک: راغب اصفهانی، مفردات، ص۴۰.

۳- . آل عمران/۹۲.

جزیی از جـان خود را از دست داده است. پس مجاهـدت انسـان در انفاق مال، بیشتر و دشوارتر از سایر عبادات و اعمال است؛ چون در آن ها فوت و زوال و کمبود، چشمگیر نیست.(1)

حضرت رضا فرمودند: «بعد از ایمان به خدا و اعتراف به حقوق اولیاء خدا از آل محمد، چیزی نخواهید داشت که نزد شما، محبوب تر باشد از کمـک به برادران دینی خود در امور دنیـا که وسـیلهٔ رسـیدن به بهشتِ خـداست. کسـی که چنین کنـد، از اولیاء خـدا و از مقرّبین درگاه خـدا خواهد بود.»(2)

سیرهٔ حضـرت رضا همراه با احسان فراوان بود: امام به تنگ دسـتان در نهان صـدقه می دادند و بیشتر، این کار را در شب های تاریک به انجام می رساندند؛ تا احسان او، شرمندگیِ نیازمند را

۱- . المیزان، ج۳، ص۳۴۴.

۲- . بحارالانوار، ج ۴۹، ص۱۸۲.

در پی نداشته باشد.(۱) روزی غریبی خدمت امام رسید و سلام کرد و گفت: «من از دوستداران شما و پدران و اجدادتان هستم. از حج باز گشته ام و خرجیِ راه تمام کرده ام. اگر مایل اید، مبلغی به من مرحمت کنید تا خود را به وطنم برسانم و در آنجا، از جانب شما، معادلِ همان مبلغ را به مستمندان صدقه خواهم داد؛ زیرا من در شهر خویش فقیر نیستم و اینک در سفر، نیازمند مانده ام.» امام برخاستند و به اطاقی دیگر رفتند و دویست دینار آوردند و از بالای در، دست خویش را فراز آوردند و آن شخص را خواندند و فرمودند: «این دویست دینار را بگیر و توشهٔ راه کن و به آن تبرّک بجوی و لازم نیست که از جانب من، معادل آن را صدقه بدهی.» آن شخص دینارها را گرفت و رفت. امام از آن اطاق، به جای اول بازگشتند. از ایشان پرسیدند که چرا کاری کردید که شما را هنگام گرفتنِ دینارها نبینند. فرمودند: «تا شرمندگی نیاز و سؤال

۱- . کشف الغمه، ج۲، ص۳۱۶.

را در او نبینم.»(۱)

ایشان هرچه داشتند، در رفعِ مشکل نیازمند هزینه می کردند؛ مردی به ابوالحسن رضا برخورد کرد و گفت: «به قدر مردانگی ات بر من ببخش.» امام گفت: «به این مقدار ندارم.» مرد گفت: «به قدر مردانگی خودم ببخش.» امام فرمودند: «این قدر دارم.» سپس فرمودند: «ای غلام؛ دویست دینار به او بده.»(۲)

حضرت رضا در واکنش به سخن فضل بن سهل که امام را نسبت به انفاق همهٔ مال خود ملامت می کرد، چنین فرمودند: «لا تعدّن مُغرماً ما اتّبعت بِه اجراً و مکرما.» (= چیزی که پاداش و کرامت بدان تعلق می گیرد، ضرر محسوب مکن.)(۳)

۱- . کافی، ج۴، ص۲۴ و مناقب، ج۴، ص۳۶۰.

۲- . بحارالانوار، ج۴۹، ص۱۰۰.

۳- . مستدرک الوسایل، ج۷، ص۲۳۵.

تصویر



گام پنجم: خاکساری دربرابرِ والدین

تصویر

گام پنجم: خاکساری دربرابرِ والدین

بی شک، نوع رفتار با والـدین در اولویت نخستِ آداب معاشـرت جای دارد؛ به آن میزان که خداوند U بـدان پای می فشارد:]وَ وَصَّینَا الْإِنْسانَ بِوالِدَیهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْناً عَلی وَهْنٍ وَ فِصالُهُ فِی عامَینِ أَنِ اشکرْ لِی وَ لِوالِدَیک إِلَی الْمَصِیرُ. وَ إِنْ جاهَداک عَلی أَنْ تُشْـرِک بِی ما لَیسَ لَک بِهِ عِلْمٌ فَلاـ تُطِعْهُما وَ صاحِبْهُما فِی الـدُّنْیا مَعْرُوفاً وَ اتَّبِعْ سَبِیلَ مَنْ أَنابَ إِلَی ثُمَّ إِلَی مَرْجِعُکمْ فَأُنَبِّیکمْ بِما کنْتُمْ تَعْمَلُون.[(= و به انسان دربارهٔ پـدر و مادرش سـفارش کردیم؛ مادرش او را با سـستی در پِی سـستی، بارداری کرد و زمان شیرخوارگی وی دو سال بود. [سفارش این بود] که مرا و پدر و مادرت را سپاس بگزار که بازگشت همه به سوی من است و اگر تو را وادارند تا آنچه نمی دانی، برای من شریک آوری، از آنان فرمان نبر؛ و در این جهان، با آنان، به شایستگی همراهی کن و راه کسـی را پیش گیر که به درگاه من بازگردد، سپس بازگشتتان به سوی من است. آن گاه شما را از آنچه می کرده اید، می آگاهانم.)(۱)

ص:۳۴

۱- . لقمان/۱۴و۱۵.

قرآن توصیه می کند که بر انسان واجب است که در امور دنیوی، نه در احکام شرعی که راه خداU است، با پدر و مادر خود به طور پسندیده و متعارف مصاحبت کنـد، نه به طور ناشایست؛ و رعایت حال آن دو را کرده، با رفق و نرمی رفتار کند و جفا و خشونت در حقّشان روا ندارد. در این مسـیر، حتی نگاه محبت آمیز به پـدر و مادر نیز سـتودنی است و عبادت شـمرده می شود.(۱) نیکی به والـدین را مهم ترین تکیف الهی تلقی کرده اند؛ این رویکرد در سخن حضرت رضا هویداست که آن را در قالب نکات زیر ذکر می کنیم:

۱.۵ نیکی کردن: «بِرّ الوالـدینِ واجبٌ و إنْ کانـا مُشـرکین و لاطـاعه لهمـا فی معصـیه الخالق.» (= نیکی به پـدر و مادر، اگرچه مشـرک باشـند، واجب است؛ ولی محدودهٔ اطاعت از پدر و مادر تا جایی است که اطاعت آن ها، معصیت خدا نباشد.)

۱- . بحارالانوار، ج۷۴، ص۸۰.

۲.۵ سپاسگزاری: خداوند به سه چیز، همراه با سه چیز دیگر، امر کرده است؛ ازجمله: «أَمَرَ بِالشُّکرِ لَهُ وَ لِلْوَالِدَین، فَمَنْ لَمْ یشْکرْ وَالِدَیهِ لَمْ یشْکرِ اللَّهَ.» (= امر کرده است که از او تشکر کنند و سپاسگزارِ او باشند، همراه با شکر و سپاس از والدین؛ پس هرکه از والدین خود تشکر نکرد و آن ها را سپاس نگفت، شکر خدا را به جا نیاورده و او را سپاس نگفته است.)(۱)

۳.۵ دوری از عقوق والدین: «حَرَّمَ اللَّهُ عُقُوقَ الْوَالِدَینِ، لِمَا فِیهِ مِنَ الْخُرُوجِ مِنَ التَّوْفِیقِ لِطَاعَهِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ، وَ التَّوْقِیرِ لِلْوَالِدَینِ وَ تَجَنُّبِ کفْرِ النِّعْمَهِ وَ إِبْطَالِ الشُّکرِ، وَ مَا یدْعُو مِنْ ذَلِک إِلَی قِلَّهِ النَّسْلِ وَ انْقِطَاعِهِ، لِمَا فِی الْعُقُوقِ مِنْ قِلَّهِ تَوْقِیرِ الْوَالِدَینِ، وَ الْعِرْفَانِ بِحَقِّهِمَا، وَ قَطْعِ الْأَرْحَامِ وَ الزُّهْدِ مِنَ الْوَالِدَینِ فِی الْوَلَدِ، وَ تَرْک التَّرْبِیهِ بِعِلَّهِ تَرْک الْوَلَدِ بِرَّهُمَا.» (= خداوند متعال عقوق والدین را حرام کرده است و این به جهتِ خروج از اطاعت خداوند و تعظیم والدین و دوری از کفران نعمت و ابطال شکر و سپاسگزاری است. چنانچه عقوق والدین حرام نشده بود، قطع

۱- . بحارالانوار، ج ۷۱، ص۶۸.

نسل پیش می آمد و احترام پدر و مادر از بین می رفت و کسی حقوق آن ها را نمی شناخت و درنتیجه، قطعِ رحم می شد و پدر و مادر اولاد خود را تَرکْ می کردند و فرزندان هم از نیکی به آن ها خودداری می کردند.)(۱)

و یادآوری این نکته از سعدی شیرازی، خالی از لطف نیست: وقتی به جهلِ جوانی، بانگ بر مادر زدم، دل آزرده به کنجی نشست و گریان همی گفت: «مگر خُردی فراموش کردی که درشتی می کنی؟»

چه خوش گفت زالی به فرزند خویش چو دیدش پلنگ افکن و پیل تَن

گر از عهد خُردیت یاد آمدی که بیچاره بودی در آغوش م-ن

نکردی در این روز بر من جفا که تو شیرمردی و من پی--رزن

۱- . همان، ج ۷۱، ص ۷۵.

تصویر



ص:۳۸

گام ششم: نیک سیرتی در خانه

تصویر

گام ششم: نیک‌سیرتی در خانه

به این سخن حضرت رضا باید گوشِ جان سپرد: «در قیامت، کسی به من نزدیک تر است که در دنیا، خوش اخلاق تر و نسبت به خانوادهٔ خود نیکوکارتر باشد.»(۱) حضرت رضا ساده زیستی را با آراستگی جمع کرده بودند و پاکیزگی را از اخلاق پیامبران می شمردند.(۲) امام ضمن حفظ آراستگیِ خود در خانه، بر آراسته بودن مرد در خانه تأکید می داشتند:(۳) محاسِن خود را با خضاب سیاه می کردند(۴) و موهای سر و صورت خود را شانه می زدند.(۵) ایشان عطر زدن را از اخلاق پیامبران می شمردند(۶) و همگان را به این ویژگی

سفارش می کردند: «بر هیچ کس

۱- وسایل الشیعه، ج۱۲، ص۱۵۳.

۲- . تحف العقول، ص۴۵۱.

۳- . بحارالانوار، ج۷۳، ص۱۰۰.

۴- . همان.

۵- . همان، ج۷۳، ص۱۱۵.

۶- . کافی، ج۶، ص۵۱۲.

روا نیست که از به کـار بردنِ عطر در هر روز، خـودداری کنـد و اگر قـدرت نـداشت، یـک روز در میـان خـود را خوشـبو کنـد و اگر بـاز هم نتوانست، در روز جمعه حتماً بوی خوش استعمال کند.»(۱)

امام رضا به آنان که دارای امکانات هستند، لازم می شمردند که خانوادهٔ خود را در رفاه و آسایش قرار دهند(۲) و می فرمودند: «شایسته است که مرد بر خـانواده اش، از جهت مـالی، توجه بیشـتری کنـد تـا آرزوی مرگِ او را نکننـد.»(۳) ایشـان بر فراخیِ منزل تأکیـد می کردنـد و می فرمودنـد: «زنـدگی دنیا و لذت آن، در بزرگیِ منزل و دوسـتان زیاد است.»(۴) حضـرت رضا برای یکی از خـدمتکاران، خود منزلی خریدند و فرمودند که چون منزل شما تنگ است، در آنجا ساکن

ص:۴۱

۱- . شیخ صدوق، خصال، ج۲، ص۳۹۲.

۲- . وسایل الشیعه، ج۱۵، ص۲۴۹.

۳- . همان.

۴- . عطاردی، مُسند الامام الرضا، ج۲، ص۳۷۴.

شو! آن مرد گفت که پدرم در اینجا زندگی می کرد. فرمودند: «اگر پدرت نادان بود، تو هم باید مانند او باشی؟!»(۱)

امـام بر خوش اخلاـقی و نیـک رفتـاری بـا خانواده توصـیه می فرمودنـد: «أَقْرَبُکمْ مِنِّی مَجْلِساً یوْمَ الْقِیامَه أَحْسَنُکمْ خُلُقاً وَ خَیرُکمْ لِأَهْلِهِ.» (= در قیـامت، کسـی به من نزدیـک تر است که در دنیـا، خوش اخلاـق تر و نسـبت به خـانوادهٔ خود نیکوکـارتر باشـد.)(۲) همچنین، وقتی سـخن از خانواده می رود، باید از صلهٔ رحم و آمد وشد با خویشاوندان سخن گفت؛ رفت و آمدی که با نیکویی و عدم آزار همراه باشد. به فرمودهٔ امام رضا: «با خویشاوند، محبت و پیوند کن؛ ولو به جرعهٔ آبی و بهترین صلهٔرحم، خودداری از آزارِ اوست.»(۳)

۱- . بحارالانوار، ج۷۳، ص۱۵۳.

۲- . وسایل الشیعه، ج۱۲، ص۱۵۳.

۳- . تحف العقول، ص۴۴۵.

گام هفتم: نظارت و اصلاحگری

تصویر

گام هفتم: نظارت و اصلاحگری

ص:۴۳

مسلمان، صالح است و مُصلِح: او نخست با برپاییِ نماز و انس با خداU و دوری از گناه، به اصلاح خود می اندیشد و در مرتبهٔ بعد، وظیفهٔ اصلاح دیگران را عهده دار است. قرآن این برنامهٔ اجتماعی را، پس از توصیه به نماز، یادآور می شود:]وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ انْهَ عَنِ الْمُنْكرِ.[(= مردم را به نیکی ها و معروف دعوت کن و از منکرات و زشتی ها باز دار.)(۱)

امر به معروف و نهی از منکر یکی از مشخصات روحی اسلام است و پروردگارU دینِ خود را بر آن اساس، بنا نهاده و استوار ساخته است:]قُلْ هذِهِ سَبِيلِی أَدْعُوا إِلَی اللّهِ عَلی بَصِیرَهٍ أَنَا وَ مَنِ اتَّبَعَنِی.[(= این راه من است. من و پیروانم و با بصیرت کامل، همهٔ مردم را به سوی خدا دعوت می کنیم.)(۲) نیز:]كنْتُمْ خَيرَ أُمَّهٍ أُخْرِجَتْ لِلنّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكرِ.[(۳)

ص:۴۴

۱- . لقمان/۱۷.

۲- . یوسف/۱۰۸.

۳- . آل عمران/۱۱۰.

اهتمام اسلام به امربه معروف و نهی ازمنکر، بدان حد است که غفلت و دوری از آن، عواقب خطرناکی در پِی خواهد داشت. حضرت رضا از پیامبر چنین روایت فرمودند: «هرگاه امت من امربه معروف و نهی ازمنکر را ترک کنند، باید در انتظار عذاب پروردگار باشد.»(۱) جامعهٔ صالح که آن را با اندیشه ای سودمند و رفتاری صالح، بنیان نهاده اند، باید با تمام امکانات خود، رشد و کمال خود را حفظ کند و اگر کسی یا جمعی،

برخلاف مسیر آن، سازی جدا و انحراف گونه زد، نباید او را به حال خود وانهند و باید به مسیر راست، سمت و سویش دهند: «باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی و امربه معروف و نهی ازمنکر کنند و آن ها همان رستگاران اند.»(۲) این آیه، از خیر و شر تعبیر به معروف و منکر کرده است، زیرا خداوندU همگان را به چنگ زدن به ریسمان الهی و عدم تفرقه دعوت کرده

۱- . تهذیب، ج۶، ص۱۷۷.

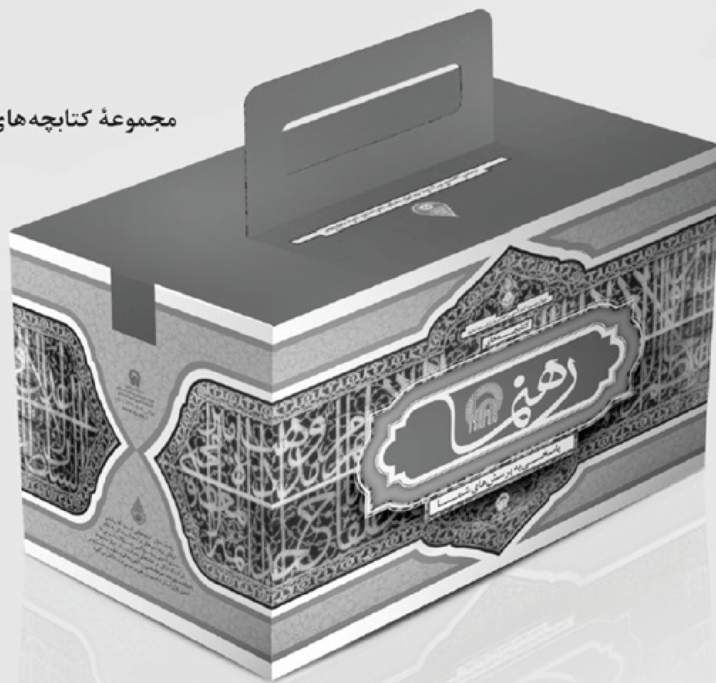
۲- . آل عمران/۱۰۴.

است(۱) و طبیعی است که چنین جامعه ای، معروف در آن، خیر است و منکر در آن، شر.(۲)

۱- . [وَ اعْتَصِمُواْ بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِیعًا وَ لَا تَفَرَّقُواْ.]، آل عمران/۱۰۳.

۲- . تفسیر المیزان، ج۳، ص۳۷۳.

تصویر



ص:۴۷

تصویر


نسخهٔ دیجیتالی رهنما
مرکز پخش: مشهد مقدس، نبش ورودی باب الجواد علیه السلام
فروشگاه عرضهٔ محصولات رضوی
تلفن: ۰۵۱۱-۲۲۸۵۲۰۴

ص:۴۸

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹
امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹